

## آینده‌پژوهی چه چیزی نیست؟

نوشته: سید علیرضا حجازی

"وقتی پژوهشگری پژوهشی را آغاز می‌کند، می‌داند که در دانش او شکافی وجود دارد و باید آن را پر کند، اما از وسعت نادانی خود بی‌خبر است."

### فاسکت

در سال‌های اخیر واژه‌ی آینده‌پژوهی کاربرد فزاینده‌ای در حوزه‌های گوناگون یافته است، از قلمرو علوم انسانی گرفته تا علوم پایه، مهندسی و حتی پزشکی. هر آن چه گرایشی به آینده دارد به نادرستی مرتبط با آینده‌پژوهی پنداشته شده و آن چه در این میان مغفول مانده خود آینده‌پژوهی است! سمینارها، کارگاه‌ها، نشست‌ها و حتی دوره‌های دانشگاهی محدود و گسترده‌ای پیرامون آینده‌پژوهی برگزار شده و واژه‌ی عوام و خواص پسند آینده‌پژوهی محفل‌آرای محافل متعدد علمی و غیرعلمی شده است. مدعیان راستین و دروغین بسیاری نیز در باب آینده‌پژوهی سخن‌ها رانده‌اند، اما آن چه گفته نشده این است که "آینده‌پژوهی چه چیزی نیست؟" در این مجال تلاش می‌شود افزون بر معرفی سه عامل بنیادین که در شکل‌گیری چنین پدیده‌ای نقش داشته‌اند، به مواردی اشاره شود که در گستره‌ی آینده‌پژوهی نیستند اما خواسته و ناخواسته به عنوان حوزه‌های فکری یا کلامی مرتبط با آینده‌پژوهی پنداشته شده‌اند. اگر دریابیم که آینده‌پژوهی چه چیزی نیست، بزرگترین خدمت را در معرفی آینده‌پژوهی به علاقه‌مندان این رشته‌ی نوپای دانشگاهی کرده‌ایم. در حقیقت این نخستین گام در راستای درک مبانی آینده‌پژوهی است.

اما چه عواملی موجب بروز اشتباه‌های فردی و جمعی در شناسایی آینده‌پژوهی و درک ماهیت آن می‌شوند؟

۱. **مُدگرایی:** یکی از آسیب‌پذیری‌های جوامعی که پیمودن مراحل نواندیشی اجتماعی و نوگرایی دانشی و فناورانه را آغاز می‌کنند، آسیب مُدگرایی است. منظور از پدیده‌ی مُدگرایی باب روز شدن آینده‌پژوهی در حوزه‌هایی است که می‌توانند به گونه‌ای با امر پژوهش در ارتباط باشند. همواره این احتمال می‌رود که مدیران به ظاهر نواندیش در برخی سازمان‌ها برای آن که در سازمان متبوع خویش دست به نوآوری چشمگیری بزنند، با به میان آوردن مباحثی مانند آینده‌پژوهی در میان کارکنان و کارمندان سازمان و کاربرد نه چندان آگاهانه‌ی این واژه به دنبال دستیابی به گونه‌ای وجاهت سازمانی باشند. گاهی چنین پنداشته می‌شود طرح این گونه واژه‌های دهان‌پرکن در سطوح عالی سازمان وجاهت بیشتری را برای مطرح‌کنندگان به همراه خواهد داشت. از این رو با به میان آوردن مباحث و موضوعاتی که به ظاهر رنگی از آینده دارند اما هیچ ربطی به آینده‌پژوهی ندارند، می‌پندارند به جایگاه بالاتری در این عرصه دست یافته‌اند. این در حالی است که شاید در میان اعضای سازمان فرد یا افرادی وجود داشته باشند که با مباحث عمومی و تخصصی آینده‌پژوهی آشنا باشند و سخنان مدیران به ظاهر آینده‌پژوه خود را چندان هم جدی نگیرند!

۲. **کج‌فهمی:** مروری بر تاریخ اندیشه و اندیشه‌ورزی به ویژه نواندیشی نمایانگر این حقیقت انکارناپذیر است که هیچ خطری بزرگتر از کج‌فهمی برای اندیشه‌های نوینی که در برهه‌های تاریخی در جوامع بشری مطرح شده‌اند، وجود نداشته است. برای مثال، اگر بدانیم که دانش هرگز "تولید" یا "بومی" نمی‌شود، بلکه "کشف" می‌شود و آن چه می‌تواند "کاربرد بومی" یابد فناوری است و نه



دانش؛ یا این که فرهنگ ساخته نمی‌شود (و اصطلاح نادرست "فرهنگ‌سازی" کاملاً بی‌معناست)، بلکه بر پایه‌ی درون‌مایه‌های قومی هر جامعه در گفتار، پندار و کردار آحاد جامعه نمایان می‌شود و یا از جامعه‌ای به جامعه‌ای دیگر منتقل می‌شود و یا این که "گفت‌وگو" متفاوت از "گفتمان" و "گوش" است؛ دست کم توانسته‌ایم از برخی کج‌فهمی‌های کلامی در امان بمانیم. اما آن چه خطر کج‌فهمی‌ها را به شکل جدی نمایان می‌سازد، فرصت‌سوزی‌هایی است که بر اثر برداشت‌های ناصواب از مقولاتی مانند آینده‌پژوهی صورت می‌گیرد. از آن جا که بخشی از مبانی معرفتی آینده‌پژوهی به ویژه مباحث و زیرساخت‌های فلسفی آن در قلمرو علوم انسانی قرار می‌گیرد، توجه به این نکته ضروری به نظر می‌رسد که آینده‌پژوهی مانند سایر علوم دانشی فراگیر است و این پنداشت که هر جامعه‌ای باید یک آینده‌پژوهی خاص برای خود داشته باشد، از اساس و بنیان نادرست است. همان گونه که هیچ جامعه‌ای ریاضی یا شیمی و فیزیک خاص خود ندارد. آن چه که در آینده‌پژوهی می‌تواند برای یک جامعه‌ی معین اتفاق بیفتد، آینده‌نگری یا آینده‌نگاری ملی است که آینده‌های بدیل آن جامعه را بر پایه‌ی استعدادها و موجود و بالقوه‌ی آن جامعه ترسیم می‌کند. راهیابی به سطوح بالاتری از پیشرفت و تعالی در اندیشه‌های فردی و اجتماعی نیازمند درک آگاهانه‌ی مباحث علمی و کاربرد درست آن‌هاست، نه گمانه‌زنی‌های شخصی و اقدام‌های سلیقه‌ای. اگر بتوانیم تمثیل به کار رفته در مثنوی معنوی، اثر سترگ مولانا را در این زمینه به درستی درک کنیم، می‌توانیم بگوییم که حکایت کج‌فهمی در ارتباط با آینده‌پژوهی بی‌شبهت به توصیف فیل در تاریکی نیست و هر کس فراخور برداشت‌ها و ادراک فردی خویش توصیفی را از آینده‌پژوهی ارائه می‌دهد که حقیقتِ آینده‌پژوهی نیست و به قول معروف:

هر کسی از ظن خود شد یار من      از درون من نجست اسرار من

**۳. کاهلی.** افزون بر دو عامل پیشین، عامل مهم دیگری که در شکل‌گیری ادراک غیرحقیقی و بدلی از آینده‌پژوهی نقش دارد، سهل‌انگاری و تنبلی کارشناسان آگاه به آینده‌پژوهی است. اگر کسانی که در این زمینه مطالعه کافی و تخصص لازم را دارند، گام در میدان تلاش و فعالیت نهند و با آفرینش آثار در خور توجه و شایسته‌ی مطالعه مطالب و محتوای علمی آینده‌پژوهی را به اندازه‌ی کافی و چه بسا در حد وفور در اختیار علاقه‌مندان این دانش نوپا قرار دهند، عرصه بر دکان‌داران آینده‌پژوهی تنگ خواهد شد و با برچیده شدن بساط سودجویی آن‌ها فضای سالمی برای گسترش و پرورش اندیشه‌های جوان و آینده‌گرا پدید خواهد آمد. در حقیقت این مسوولیت و وظیفه‌ی خطیر سکان‌داران آینده‌پژوهی است که با رهایی از رخوت و کاهلی چند ساله و چه بسا چند دهه‌ای رسالت ترویج و تعلیم معرفت‌شناسی، بنیان‌های فلسفی و روش‌شناسی‌های علمی آینده‌پژوهی را بر عهده بگیرند و میدانی برای جولان اندیشه‌های سست‌بنیان و نادرست باقی نگذارند. به نظر می‌رسد گسترش این دانش نوپا نیازمند تلاش‌های خستگی‌ناپذیر علمی و نیز تبیین و کاربرد روشنگرانه‌ی تکنیک‌های آینده‌پژوهی است.

اما آینده‌پژوهی چه چیزی نیست؟

**۱. آینده‌اندیشی.** یکی از رایج‌ترین اشتباه‌های کلامی و مفهومی که معمولاً در ارتباط با آینده‌پژوهی شکل می‌گیرد، یکی پنداشتن آینده‌اندیشی با آینده‌پژوهی است. متأسفانه حتی برخی از افراد که دستی هم در امر آموزش به ویژه آموزش عالی و دانشگاهی دارند با غفلتی ناخواسته پندارهای نادرستی از دانش آینده‌پژوهی را در کشتزار اندیشه‌ی دانشجویان خود می‌کارند. این دوستان حتی تصور هم نمی‌کنند که آینده‌پژوهی تکنیک‌ها و شگردهای علمی، شهودی و آرمان‌پردازانه‌ی فراوانی برای شناسایی و آفرینش آینده‌های بدیل در اختیار دارد و به نادرستی آن را با آینده‌اندیشی برابر می‌دانند. آینده‌اندیشی قلمرو گسترده‌ای از اندیشه‌ورزی را



در ارتباط با موضوعات و مسایل آینده در بر می‌گیرد، حال آن که آینده‌پژوهی دانش و هنر آفرینش آینده‌های مرجح و برتر است. به تعبیری دیگر، در آینده‌اندیشی فعالیت فرد آینده‌اندیش به تفکر پیرامون آینده و در عالی‌ترین شکل پیشنهاد راه‌حل‌های نظری محدود می‌شود، اما در آینده‌پژوهی دانش اقدام نیز ارایه می‌شود و راه‌های چگونگی ساختن آینده‌ی مطلوب معرفی و تشریح می‌گردد.

**۲. آینده‌شناسی.** برخی دیگر نیز میان آینده‌شناسی (یا پیش‌گویی آینده) و آینده‌پژوهی تفاوتی قایل نمی‌شوند. شناخت آینده با بهره‌گیری از ابزارهایی مانند وحی، علوم فراطبیعی، خواب‌نمایی، پیش‌گویی‌های پیامبرانه و دیگر روش‌های شهودی را آینده‌شناسی یا پیش‌گویی می‌گویند. بی‌سبب نیست که واژه‌ی انگلیسی معادل آن را Divination می‌گویند که برگرفته از علوم رمانی، الهی و آسمانی است. آینده‌شناسی یا پیش‌گویی در کتب آسمانی مانند تورات، انجیل و قرآن کریم بارها مطرح شده است. برای مثال در عهد عتیق کتاب‌های دانیال، ارمیا، زکریا، حزقیال و حبقوق و در عهد جدید بخش‌هایی از انجیل به ویژه مکاشف‌ی یوحنا در بر گیرنده‌ی آینده‌شناسی‌ها و پیش‌گویی‌های گوناگونی هستند که بیشتر بر آن چه پایان جهان یا آخرالزمان پنداشته می‌شود، تمرکز دارند. در قرآن کریم نیز پیش‌بینی پیروزی سپاه اسلام بر امپراتوری ایران و روم پیش از وقوع آن موضوع شایان توجهی است. حتی برخی پیش‌گویی‌های غیرآسمانی هم نشانه‌هایی از آینده را در خود داشته‌اند. افرادی مانند نوسترآدموس در اعصار پیشین و یا ادگار کیسی در جهان معاصر درست یا نادرست از آینده و حوادث آن خبر داده‌اند. آن چه در این میان مهم است، آگاهی از این حقیقت است که اقدام کسانی مانند داموس یا کیسی در بیان رویدادهای آینده، حتی در صورت صحت داشتن و محقق شدن، اقدامی علمی و کنش‌گرانه بر پایه‌ی آموزه‌های آینده‌پژوهی نیست و هیچ ربطی به این دانش تجربی ندارد.

در حقیقت تفاوت اصلی آینده‌پژوهی و آینده‌شناسی در نگرش این دو به ساحت آینده است. آینده‌شناسی با قطعیت از آینده‌ای جزمی و لایتغیر سخن می‌گوید، اما آینده‌پژوهی از چند آینده‌ی غیر قطعی و تغییرپذیر، محتمل و ممکن سخن می‌گوید و همین امر راه این دو را از یکدیگر جدا می‌کند.

**۳. آینده‌نگری.** آینده‌نگری در مفهوم عام آن تلاش برای تبیین این واقعیت است که آینده مهم است و از هم اینک باید در اندیشه‌ی آن بود. پدر و مادری که از فرزند خود می‌خواهند مسوولانه‌تر و با دقت در اندیشه‌ی فردای خود باشد، در واقع، رویکردی عاقبت‌اندیش و آینده‌نگر در پیش گرفته‌اند. آینده‌نگری بیدارساختن خواب‌زدگانی است که در دشواری‌های امروز و دیروز غرق شده‌اند و از فرصت‌ها و تهدیدهای نهفته در فردا غافل هستند. آینده‌نگری در مفهوم عافیت‌طلبی و عاقبت‌اندیشی هیچ‌گونه روش و رویکرد هنجاری و رفتاری مشخصی را توصیه نمی‌کند و معطوف به عمل نیست. آینده‌نگری عامیانه همان رویکردی است که بیشتر مبلغان آینده‌پژوهی در سخنرانی‌های خود به کار می‌گیرند. یادآوری این نکته ضروری است که آینده‌نگری محیط مناسبی را برای آینده‌پژوهی فراهم می‌کند. به اختصار باید گفت که آینده‌نگری به ما یادآوری می‌کند گذشته و فرصت‌های آن از دست رفته است و دیگر تغییری را نمی‌پذیرد، بنابراین بهتر است در اندیشه‌ی فردا باشیم و به آینده بیندیشیم. نباید فراموش کرد آن چه با عنوان آینده‌نگری علمی یا آینده‌نگاری (Foresight) در ادبیات آینده‌پژوهی مطرح می‌شود، جدای از آینده‌نگری عامیانه است و بر بنیان‌های کاملاً علمی و تکنیک‌ها و روش‌های آزموده شده استوار است که به نتایج ملموس و قابل بیانی دست می‌یابد.

**۴. آینده‌گرایی.** در بسیاری از مکاتب زمینی و آسمانی آموزه‌های آینده‌گرایی فراوانی را می‌توان یافت. این مکاتب آموزه‌هایی را در قالب ایدئولوژی‌های گوناگون به پیروان خود تعلیم داده و آن‌ها تشویق به پذیرش و باور آن‌ها می‌کنند. آن چه در این میان کمتر به



آن توجه می‌شود، معرفی آینده‌ای محتوم به جای آینده‌های بدیل است. حال آن که یکی از ارکان آینده‌پژوهی در مقام یک دانش و نه یک ایدئولوژی، پذیرش عدم قطعیت آینده و محتمل دانستن امکان وقوع حالت‌های گوناگونی از آینده به جای یک آینده‌ی خاص است. به تعبیری آینده آن گونه که برخی تصور می‌کنند، هرگز مطمئن نیست و همیشه آستن وقوع رویدادهای غیرمنتظره است. از سویی دیگر حتی کودکی که با اسباب‌بازی (که مانند بشقاب پرنده ساخته شده است) یا عروسک‌های خود (که مانند موجودات بیگانه‌ی فضایی طراحی شده‌اند) بازی می‌کند و یا نوجوانی دبیرستانی که به تماشای فیلم‌های علمی - تخیلی یا خواندن رمان‌هایی از این دسته علاقه‌مند است، به نوبه‌ی خود افرادی آینده‌گرا به شمار می‌آیند. بنابراین ملاحظه می‌شود که آینده‌گرایی لزوماً به معنای برخورداری از دانش تخصصی آینده‌پژوهی نیست و همگان می‌توانند آینده‌گرا باشند یا دست کم مدعی آن باشند.

اما آینده‌پژوهی چیست؟

**آینده‌پژوهی.** آینده‌پژوهی یا مطالعات آینده حوزه‌ی متمایزی از دانش است که هویتی مستقل دارد و در همان حال به لحاظ بهره‌گیری از فنون و روش‌های شناخت آینده وابسته به دیگر حوزه‌های دانشی و معرفتی است. صرف نظر از تلاش پیوسته‌ی آینده‌پژوهان برای دستیابی به هویت دانشگاهی مستقل و متمایزی برای مطالعه و پژوهش، آینده‌پژوهی در قالب یک حرفه و رشته‌ای دانشگاهی تکامل یافته است و جنبه‌های گوناگونی مانند نظریه‌پردازی‌های علمی، روش‌های پژوهش و گستره‌ای چشم‌گیر از برنامه‌های آموزشی را در بر گرفته است. اینک دوره‌های دانشگاهی فراوان و سرفصل‌های آموزشی گوناگونی در زمینه‌ی آموزش و کاربرد آینده‌پژوهی در سراسر جهان وجود دارد. آینده‌پژوهی می‌کوشد با استفاده از روش‌های علمی و تجربی رویدادهای آینده را در قالب گزینه‌های بدیل یا آینده‌های جایگزین شناسایی و کشف کند و سپس با استفاده از روش‌های هنجاری در آفرینش آینده‌های مطلوب بکوشد.

دانش آینده‌پژوهی با علوم اجتماعی، علوم سیاسی، جامعه‌شناسی، ریاضی، تحقیق در عملیات، رایانه و شبیه‌سازی، آمار و احتمالات و بسیاری از حوزه‌های دیگر مرتبط است و به همین دلیل، شناخت آینده‌پژوهی نیازمند درک و فهم بنیان‌های معرفت‌شناختی و روش‌شناسی‌های ویژه‌ی این حوزه است. بزرگترین دستاورد آینده‌پژوهی تغییر رویکرد منفعلانه به رویکردی فعالانه در قبال آینده‌هایی است که می‌توانند بر اثر تصمیم‌ها و اقدام‌های کنونی انسان‌ها طراحی و ساخته شوند.

